یادداشت میهمان

بازار ارز؛ به صدا درآمدن زنگ هشدار برای سیاست‌گذار

داود منظور
رئیس سازمان برنامه و بودجه دولت شهید رئیسی

افزایش اخیر نرخ دلار در بازار آزاد را نباید صرفاً یک رکورد تازه در بازار متلاطم ارز تلقی کرد. اهمیت این اتفاق، در سرعت کاهش ارزش ریال، استمرار روند صعودی ارز و شکل‌گیری انتظاری یک‌طرفه درباره آینده آن است. این تحول فراتر از یک نوسان سفته‌بازانه یا التهاب مقطعی، حاکی از آن است که بازار ارز در حال تبدیل‌شدن به محل تلاقی چند عدم‌تعادل بزرگ در اقتصاد ایران است.

در شرایطی که فشارهای بیرونی بر شبکه‌های درآمدی و مالی کشور تشدید شده و بازار ارز به میدان اصلی رویارویی اقتصادی تبدیل شده است، به نظر می‌رسد هنوز نظام مالی و سیستم اقتصادی کشور آن‌گونه که در شرایط جنگی و تحریمی لازم است، بازآرایی و آماده نشده و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی نیز در عمل به‌صورت جدی و همه‌جانبه پیاده نشده است. به بیان دیگر، با وجود آنکه نشانه‌های جنگ اقتصادی و محدودیت دسترسی به منابع ارزی و کانال‌های بانکی آشکار است، ساختار بودجه‌ای، بانکی، تجاری و ارزی کشور همچنان بر مدار الگوهای نسبتاً عادی و غیرجنگی می‌چرخد و اولویت‌بندی سخت‌گیرانه مصارف ارزی، بازتنظیم واقعی بودجه، کنترل حلقه بودجه – بانک – نقدینگی و تقویت مسیرهای بازگشت ارز صادرات غیرنفتی به‌شکل منسجم و عملیاتی دنبال نمی‌شود. در نتیجه، اقتصاد ایران پیش از آنکه به‌طور کامل به سازوکارهای دفاعی و مقاومتی مجهز شود، در معرض شوک‌های پیاپی ارزی و انتظارات تورمی قرار گرفته و همین شکاف میان «اعلام خطر» و «اقدام جدی» است که مدیریت بازار و مهار چرخه خودتقویت‌شونده کاهش ارزش ریال را دشوارتر و پرهزینه‌تر می‌کند.

برای روشن‌تر شدن فضای اقتصادی پیش رو و دستیابی به راهکارهای عملیاتی باید چند نکته کلیدی مورد توجه قرار گیرد. مسئله نخست آن است که در پی محاصره دریایی و آغاز کارزار رسمی «عملیات طرد اقتصادی ایران» از سوی وزارت خزانه‌داری آمریکا، فشار بر شبکه‌های درآمدی و مالی ایران افزایش یافته و وزارت خزانه‌داری آمریکا صریحاً هدف این عملیات را قطع «راه‌های اقتصادی و مالی» ایران و تشدید محدودیت بر شبکه‌های دورزدن تحریم اعلام کرده است. هم‌زمان، محدودیت کانال‌های بانکی نیز تشدید شده است. امارات مجوز فعالیت بانک ملی ایران را لغو کرده و نهاد ناظر بانکی ترکیه نیز مجوز شعبه بانک ملت در استانبول را لغو کرده است. همه این رویدادهای اخیر نشانه‌ای از تنگ‌ترشدن محیط مالی خارجی ایران است.

این فشار خارجی اکنون صرفاً ادامه تحریم‌های متعارف گذشته نیست. بازار ارز عملاً به میدان اصلی رویارویی اقتصادی ایران و آمریکا تبدیل شده است. همین امر ضرورت برخورد حرفه‌ای‌تر با بازار ارز را دوچندان می‌کند. زیرا افزایش نرخ ارز در شرایط فعلی، علاوه بر عوامل داخلی، تحت تأثیر فشار هدفمند بر درآمد ارزی، تجارت خارجی و امکان دسترسی و انتقال منابع قرار دارد.

اما اشتباه است اگر تمام افزایش نرخ ارز به عوامل خارجی نسبت داده شود. فشارهای اخیر، بیش از آنکه بیماری‌های اقتصاد ایران را ایجاد کرده باشند، شدت و سرعت بروز آثار بیماری‌های زمینه‌ای نظیر کسری بودجه، رشد نقدینگی، ناترازی بانک‌ها و ضعف سرمایه‌گذاری را افزایش داده‌اند. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد کاهش ارزش پول ملی، کسری بودجه و شدت تحریم‌ها – که از طریق کاهش صادرات نفت سنجیده شده – در کوتاه‌مدت و بلندمدت بر تورم اثر معنادار دارند، در حالی که رشد پول عمدتاً در افق بلندمدت اثر خود را نشان می‌دهد.

از این منظر، خطر اصلی آن است که اقتصاد وارد یک چرخه خودتقویت‌شونده مخرب شود و کاهش عرضه ارز، نرخ دلار را بالا ببرد؛ افزایش دلار قیمت نهاده‌های وارداتی و انتظارات تورمی را تشدید کند؛ تورم، مخارج اسمی دولت و نیاز بنگاه‌ها به سرمایه در گردش را افزایش دهد؛ کسری بودجه و فشار بر نظام بانکی رشد نقدینگی را تشدید کند؛ و نقدینگی و تورم بالاتر دوباره تقاضا برای ارز و دارایی‌های جایگزین ریال را افزایش دهد. پژوهش‌های انجام‌شده بر همین تعامل میان تحریم، کاهش درآمد ارزی، کسری مالی، رشد پول و افت ارزش ریال تأکید دارد. هنگامی که چنین چرخه‌ای تثبیت شود، مهار بازار صرفاً با مداخله روزانه بانک مرکزی دشوارتر و پرهزینه‌تر خواهد شد.

اهمیت نرخ ارز در شرایط فعلی دقیقاً در نقش آن به‌عنوان «لنگر انتظارات» است. برای خانوار و بنگاه ایرانی، نرخ دلار فقط قیمت پول خارجی نیست؛ بلکه به نوعی خلاصه‌ی روزانه ارزیابی بازار از تورم آینده، وضعیت روابط خارجی، بودجه دولت و توان سیاست‌گذار پولی تبدیل شده است. افزایش مستمر آن این پیام را مخابره می‌کند که ارزش نگهداری ریال در آینده کمتر خواهد بود. در چنین فضایی حتی کسانی که نیاز تجاری به ارز ندارند، برای حفظ قدرت خرید خود به سمت ارز، طلا و سایر دارایی‌ها حرکت می‌کنند و همین رفتار می‌تواند انتظار اولیه درباره کاهش بیشتر ارزش ریال را تقویت کند.

پیامد این وضعیت به‌سرعت به بخش واقعی اقتصاد منتقل می‌شود. افزایش نرخ ارز، هزینه مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای وارداتی را بالا می‌برد، سرمایه در گردش مورد نیاز بنگاه‌ها را افزایش می‌دهد و از طریق رشد قیمت خوراک، دارو، مسکن و خدمات، قدرت خرید خانوار را کاهش می‌دهد. بنابراین مسئله دیگر صرفاً «گران‌شدن دلار» نیست؛ شوک ارزی می‌تواند هم‌زمان به شوک هزینه تولید، کاهش درآمد واقعی و تشدید رکود تقاضا تبدیل شود.

در عین حال، افزایش نرخ بازار آزاد به‌تنهایی اثبات‌کننده کمبود منابع ارزی بانک مرکزی نیست. بانک مرکزی اعلام کرده است که منابعی برای مداخله در اختیار دارد و آمادگی تزریق ارز برای مدیریت نوسانات را نیز مطرح کرده است. از این رو مسئله اصلی نه فقط میزان ذخایر، بلکه میزان منابع واقعاً قابل دسترس، پایداری آنها و نحوه مدیریت و تخصیص میان مداخله در بازار و تأمین نیازهای حیاتی اقتصاد است.

در چنین شرایطی، وظیفه فوری بانک مرکزی باید کاهش شدت نوسان، شکستن انتظار یک‌طرفه افزایش نرخ ارز و اطمینان‌بخشی نسبت به تأمین نیازهای ضروری کشور باشد. برای این منظور، نخستین ضرورت آن است که بانک مرکزی فراتر از مداخله مستقیم ارزی، تا حدی که ملاحظات امنیت اقتصادی اجازه می‌دهد، تصویری معتبر از پایداری منابع ارزی و چارچوب مدیریت بازار به فعالان اقتصادی مخابره کند. در بازار مبتنی بر انتظارات، فقدان اطلاعات معتبر خود به تولید نااطمینانی و تقاضای احتیاطی ارز منجر می‌شود.

ضرورت دوم، تدوین فوری بودجه ارزی در شرایط بحران است. در شرایط محدودیت درآمد و دسترسی ارزی نمی‌توان با همان الگوی تخصیص دوران عادی ادامه داد. دارو، مواد اولیه دارویی، غذا، نهاده‌های ضروری تولید و قطعات حیاتی باید در بالاترین سطح اولویت قرار گیرند و مصارف کم‌اولویت محدود شوند. سؤال اساسی فقط این نیست که چه میزان ارز عرضه شود. بلکه باید پرسید هر دلار در کدام مصرف بیشترین ارزش اقتصادی و اجتماعی را ایجاد می‌کند.

ضرورت سوم، کنترل حلقه بودجه – بانک – نقدینگی است. اگر کاهش درآمدهای ارزی و نفتی با افزایش مخارج دولت همراه شود و شکاف ایجادشده مستقیم یا غیرمستقیم به ترازنامه بانک‌ها و بانک مرکزی منتقل شود، سیاست ارزی به‌تنهایی شانسی برای موفقیت پایدار نخواهد داشت. در چنین شرایطی، دولت باید بودجه سال را عملاً بازتنظیم کند، مخارج کم‌اولویت را به تعویق اندازد و تا حد امکان از ایجاد تعهدات جدید بدون منبع اجتناب کند.

نکته چهارم آن است که دستورهای اداری و اقدامات نمایشی به‌تنهایی قادر به مهار بازار نیستند. برخورد با تخلفات سازمان‌یافته، پول‌شویی و شبکه‌های غیرشفاف ضروری است، اما نمی‌تواند جایگزین اصلاح متغیرهای بنیادی عرضه و تقاضای ارز شود. مدیریت بازار هنگامی پایدار خواهد بود که سیاست ارزی، سیاست مالی و سیاست تجاری پیام‌های متناقض به فعالان اقتصادی مخابره نکنند.

ضرورت پنجم، تقویت سریع مسیرهای بازگشت ارز صادرات غیرنفتی و تسویه تجارت منطقه‌ای است. در شرایط محدودیت صادرات نفت، ارزش هر دلار حاصل از صادرات پتروشیمی، فلزات، معدن، خدمات فنی و سایر صادرات غیرنفتی افزایش یافته است. مقررات ارزی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که انگیزه صادرکننده برای عرضه ارز در شبکه رسمی تقویت شود و مقررات غیرواقع‌بینانه، بخش بیشتری از تجارت را به شبکه‌های غیرشفاف سوق ندهد.

بقیه در صفحه ۷

مرشایمر:

واشنگتن قادر به تسلیم تهران نیست

استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، با اشاره به اینکه نباید انتظار داشت فشارهای واشنگتن باعث شود تهران یا مسکو از ادامه مقاومت دست بکشند، تصریح کرد: ایرانی‌ها تسلیم نخواهند شد. آنها هر کاری بتوانند انجام می‌دهند تا مانع پیروزی آمریکا شوند.

جان مرشایمر، استاد علوم سیاسی دانشگاه شیکاگو، در گفت‌وگو با گلن دیسن درباره تحولات خاورمیانه، جنگ ایران و آمریکا، آینده حضور نظامی آمریکا در منطقه و همچنین جنگ روسیه و اوکراین، دو پرونده ایران و روسیه را از این جهت مشابه دانست که به گفته او، هر دو کشور معتقدند آمریکا تهدیدی برای بقای آنها به‌عنوان قدرت‌های مستقل است.

مرشایمر در این گفت‌وگو گفت: مهم است به خاطر داشته باشیم که هم روس‌ها و هم ایرانی‌ها، آمریکا را یک تهدید وجودی می‌دانند. مسکو از ابتدای جنگ اوکراین این برداشت را داشته که آمریکا درصدد خارج کردن روسیه از جمع قدرت‌های بزرگ است.

این استاد دانشگاه افزود: اگر روسیه با چنین تهدیدی مواجه باشد، تسلیم نخواهد شد و برای مقابله با آن به مقاومت ادامه خواهد داد. اگر آمریکا در برخورد با روسیه از این واقعیت غفلت کند، خطر درگیری هسته‌ای نیز وجود خواهد داشت.

مرشایمر سپس همین استدلال را درباره ایران مطرح کرد و گفت: کاملاً روشن است که ایران با یک تهدید وجودی مواجه است. او با اشاره به اظهارات دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، درباره ایران گفت که به شمارش او، ترامپ تاکنون هفت بار ایران را به نابودی تهدید کرده و آخرین مورد نیز در سازمان ملل مطرح شده است.

ایرانی‌ها تسلیم نخواهند شد

او ادامه داد: ایرانی‌ها تسلیم نخواهند شد. آنها هر کاری بتوانند انجام می‌دهند تا مانع پیروزی آمریکا شوند. این مسئله محدودیت‌هایی جدی برای آنچه آمریکا می‌تواند در خلیج‌فارس به دست آورد ایجاد می‌کند.

مرشایمر با شروع جنگ ۴۰ روزه در اواخر فوریه و تشدید فشارهای اقتصادی واشنگتن بر تهران گفت: از ۲۸ فوریه فشار عظیمی بر اقتصاد و مردم ایران وارد شده و آمریکا در حال افزایش این فشار است، اما هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که ایران در حال تسلیم شدن باشد.

این استاد دانشگاه با اشاره به قدرت مفهوم ناسیونالیسم تصریح کرد: اگر به ایران حمله کنیم، ایرانی‌ها سرسختانه و با تمام توان می‌جنگند، زیرا ناسیونالیسم نیرویی فوق‌العاده قدرتمند است و هیچ مردمی دخالت بیگانگان را برای تعیین سرنوشت سیاسی کشورشان نمی‌پذیرند. واشنگتن و مسکو پیش‌تر این مقاومت را در افغانستان و عراق تجربه کرده‌اند.

مرشایمر در ادامه گفت: شواهد نشان می‌دهد که ایالات متحده هیچ تمایلی به تشدید تنش نظامی ندارد. با وجود حملات در تنگه هرمز، واشنگتن از ورود به چرخه حملات تلافی‌جویانه نظامی خودداری کرده است، زیرا این استراتژی در گذشته کارآمد نبوده و تنها به هدررفت مهمات ارزشمند آمریکا انجامیده است.

او این وضعیت را مشابه وضعیت روسیه و جنگ فرسایشی در اوکراین دانست و گفت: همان‌طور که نشانه‌ای از آمادگی مسکو برای تسلیم وجود ندارد، درباره تهران نیز چنین نشانه‌ای دیده نمی‌شود. اما واشنگتن در یک جنگ فرسایشی قرار گرفته و امیدوار است با فشار اقتصادی، تهران را وادار به تسلیم کند.

این استاد دانشگاه در بخش دیگری از این گفت‌وگو، با اشاره به نابودی و آسیب‌های جدی وارد شده به پایگاه‌های آمریکا در منطقه، درباره آینده حضور آمریکا در غرب آسیا گفت: اگر واشنگتن به تدریج از تعهدات امنیتی خود در منطقه عقب‌نشینی کند، کشورهای عربی خلیج‌فارس دیگر نمی‌توانند مانند گذشته صرفاً به چتر امنیتی آمریکا تکیه کنند.

او گفت: کشورهای منطقه در چنین شرایطی با دو گزینه اصلی روبه‌رو خواهند بود، یا باید به دنبال ایجاد نوعی «همزیستی» با ایران باشند یا به سمت ایجاد ظرفیت بازدارندگی مستقل، از جمله توانمندی هسته‌ای، حرکت کنند.

مرشایمر با اشاره به عربستان سعودی و جنگ این کشور علیه یمن گفت: ریاض ممکن است همچنان تا حدی بتواند روی آمریکا حساب کند، اما این رابطه مانند گذشته نخواهد بود.

او همچنین تأکید کرد: روسیه و چین نیز نمی‌توانند به‌طور معناداری جایگزین چتر امنیتی آمریکا برای کشورهای منطقه شوند و در بهترین حالت می‌توانند در حاشیه به آنها کمک کنند.

او در همین زمینه گفت: برای کشورهای منطقه، «راه اصلی» این است که به نوعی سازوکار همزیستی با ایران پیدا کنند.

مرشایمر این وضعیت را برای عراق ساده‌تر دانست، اما گفت برای کشورهای عربی اهل تسنن منطقه، چنین مسیری دشوارتر خواهد بود.

مرشایمر در ادامه مستقیماً درباره سیاست آمریکا در قبال ایران گفت که از نظر او «کار هوشمندانه» برای واشنگتن این است که نوعی توافق برای همزیستی با ایران ایجاد و روابط دو کشور را تغییر دهد.

او گفت که «ایران، برخلاف تصویری که در رسانه‌های جریان اصلی آمریکا ارائه می‌شود، کشوری نیست که دائماً در حال آغاز جنگ و درگیری باشد.»

مرشایمر با اشاره به تاریخ ایران تأکید کرد: در تاریخ دولت- ملت ایران شواهدی از آغاز جنگ توسط این کشور وجود ندارد و ایران زمانی که با تجاوز آمریکا یا اسرائیل مواجه شده، واکنش تهاجمی نشان داده است.

او افزود: ایده اینکه ایران مصمم به آغاز درگیری، آغاز جنگ و فتح سرزمین‌های مختلف است، کاملا بی‌اساس است، من هیچ شواهدی برای آن نمی‌بینم. تنها مانع رسیدن آمریکا به همزیستی با ایران، اسرائیل است.

اسرائیل به دنبال تضعیف و تجزیه ایران است

مرشایمر تصریح کرد: اسرائیل نمی‌خواهد چنین رابطه‌ای میان آمریکا و ایران شکل بگیرد و تل‌آویو ایران را تهدیدی مرگبار می‌داند. در همین راستا، اسرائیل به دنبال تضعیف و تجزیه ایران است و تلاش می‌کند با ایران همان کاری را انجام دهد که در سوریه انجام شده است.

او در عین حال گفت: همین مسئله باعث می‌شود تغییر سیاست آمریکا در قبال ایران بسیار دشوار باشد، زیرا اسرائیل نفوذ بسیار زیادی بر سیاست خاورمیانه‌ای واشنگتن دارد. حتی اگر این تعبیر که اسرائیل «سیاست خارجی آمریکا را کنترل می‌کند» بیش از حد قوی باشد، این رژیم در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا نفوذی بسیار نزدیک به چنین سطحی دارد.

در مقابل، مرشایمر معتقد است آمریکا نیز به دلیل هزینه‌های حضور نظامی گسترده در منطقه، به‌سادگی نمی‌تواند سیاست فعلی خود را ادامه دهد، چرا که «حفظ یک نیروی نظامی قدرتمند در خاورمیانه در ابعادی که تا پیش از ۲۸ فوریه وجود داشت، تقریباً غیرممکن خواهد بود.»

در همین راستا او مجددا تأکید کرد: واشنگتن از یک‌سو برای دستیابی به نوعی رابطه جدید با ایران با مانع اسرائیل روبه‌روست و از سوی دیگر نمی‌تواند حضور نظامی سابق خود در منطقه را حفظ کند؛ این شرایط، آمریکا را در یک معضل عظیم در منطقه مواجه کرده است.مرشایمر در بخش دیگر این گفت‌وگو به جنگ اوکراین، گسترش ناتو و نزدیک شدن اوکراین به غرب پرداخت.

او استدلال کرد که روسیه گسترش نفوذ آمریکا و ناتو در نزدیکی مرزهایش را تهدیدی علیه موقعیت خود به‌عنوان یک قدرت بزرگ می‌داند و همین مسئله در محاسبات امنیتی مسکو نقش اساسی داشته است.

به گزارش ایسنا، او در پایان این بخش، با اشاره به ملی‌گرایی روسیه گفت تصور اینکه مسکو به دنبال تصرف بخش بزرگی از اروپای شرقی، از جمله لهستان و کشورهای بالتیک، باشد را غیرمنطقی می‌داند. مرشایمر استدلال کرد روسیه از تجربه اتحاد جماهیر شوروی آموخته است که اداره سرزمین‌هایی با جمعیت ملی‌گرا و مخالف، هزینه بسیار سنگینی دارد.

تمجید امام جمعه بغداد از نقش ایران در مسائل منطقه به‌ویژه غزه

امام جمعه بغداد از نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مسائل منطقه، به‌ویژه مسئله غزه، تمجید کرد و این ادعا را که این حمایت صرفاً با انگیزه منافع ایران صورت گرفته است، رد کرد.

آیت‌الله سید یاسین الموسوی، امام جمعه بغداد تصریح کرد که خروج نظامیان (تروریست) آمریکایی از عراق در موعد مقرر باید به‌صورت کامل انجام شود و لازم است اطمینان حاصل شود هیچ نیروی آمریکایی تحت عنوان آموزش یا عناوین دیگر در این کشور باقی نماند.

وی با اشاره به تأکید مسئولان عراقی بر خروج کامل نظامیان تروریست آمریکایی و متحدانشان از عراق ابراز امیدواری کرد که این اظهارات صحت داشته باشد؛ با این حال گفت تجربه‌های گذشته سبب شده است مردم عراق نسبت به وعده‌های آمریکا اطمینان کامل نداشته باشند.

آیت‌الله الموسوی با طرح این پرسش که علت واقعی خروج نظامیان آمریکایی از عراق چه بوده است، نسبت دادن این خروج صرفاً به مذاکرات یا درخواست دولت عراق را رد کرد و گفت: آمریکا تا آخرین لحظات خواهان حفظ نیروهای خود در عراق، به‌ویژه در شمال این کشور بود.

وی تصریح کرد: این مقاومت اسلامی در عراق بود که آمریکا را به خروج وادار کرد و با هدف قرار دادن پایگاه‌ها و محل استقرار نیروهای آمریکایی، زمینه خروج آنان را فراهم کرد؛ اگر مقاومت نبود، نیروهای آمریکایی عراق را ترک نمی‌کردند.

آیت‌الله الموسوی همچنین درباره تضعیف مقاومت یا کم‌اهمیت جلوه دادن سلاح آن هشدار داد و گفت: چنین اقدامی عراق را در برابر آمریکا آسیب‌پذیر خواهد کرد و ممکن است زمینه بازگشت دوباره نیروهای آمریکایی به این کشور را فراهم کند.

امام جمعه بغداد خروج ذلت بار نظامیان تروریست آمریکایی را شکست پروژه آمریکا در عراق و منطقه دانست.

آیت‌الله الموسوی در ادامه با اشاره به تحولات عراق و مواضع برخی کشورهای عربی و منطقه‌ای گفت: برخی از این کشورها به حمایت آمریکا متکی بوده‌اند، اما تحولات منطقه نشان داده است که توان آمریکا برای تأمین امنیت و حمایت از متحدانش محدود است و این کشور قادر به حفاظت از همه متحدان خود نیست.

به گزارش تسنیم، امام جمعه بغداد درباره مفهوم حاکمیت نیز تأکید کرد: حاکمیت به این معناست که دولت عراق در تصمیم‌گیری‌های خود مستقل باشد و در برابر اراده هیچ کشور خارجی، اعم از آمریکا، عربستان، ترکیه، اردن یا ایران، تسلیم نشود.

آیت‌الله الموسوی با انتقاد از ضعف موضع عراق در قبال برخی کشورهای همسایه و به طور خاص حکومت کویت، به موضوع خور عبدالله و روابط عراق و کویت اشاره کرد و گفت: دولت قدرتمند دولتی است که از حقوق و کرامت عراق دفاع کند و اجازه ندهد اراده‌های خارجی بر این کشور تحمیل شود.

وی در بخش دیگری از سخنان خود از نقش جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مسائل منطقه، به‌ویژه مسئله غزه، تمجید کرد و این ادعا را که این حمایت صرفاً با انگیزه منافع ایران صورت گرفته است، رد کرد.

امام جمعه بغداد تصریح کرد که جمهوری اسلامی ایران در حمایت از مسائل امت اسلامی هزینه‌ها و فشارهای زیادی را متحمل شده است.

آیت‌الله الموسوی بر ضرورت برخورداری عراق از تصمیم مستقل و عناصر قدرت لازم برای حفظ حاکمیت و کرامت این کشور تأکید کرد و گفت حاکمیت صرفاً یک شعار نیست، بلکه موضعی سیاسی و عملی برای حفظ منافع مردم عراق است.

وزارت اطلاعات خبر داد

انهدام ۴ شبکه خرابکاری خیابانی و بازداشت ۳۱ عامل اصلی دشمن

وزارت اطلاعات در بیانیه‌ای تأکید کرد: ۴ شبکه خرابکاری خیابانی منهدم و ۳۱ عامل اصلی و مرتبط با دشمن بازداشت شدند.

وزارت اطلاعات با صدور بیانیه‌ای از شناسایی و دستگیری ۴ شبکه خرابکاری خیابانی مشتمل بر ۳۱ تن از عوامل اصلی (لیدرها)، مرتبطین و تخریب‌گران اموال عمومی و شخصی در شهرستان سیرجان استان کرمان خبرداد.

در این بیانیه آمده است: اعضای ۴ شبکه سازماندهی شده، متشکل از ۳۱ نفر از مزدوران دشمن آمریکایی-صهیونیستی در شهرستان سیرجان درپی دریافت گزارش‌های مردمی و رصدهای اطلاعاتی سربازان گمنام امام زمان (عج) در اداره‌کل اطلاعات استان کرمان شناسایی و بازداشت شدند. این مزدوران دشمن آمریکایی-صهیونی در قالب شبکه‌هایی با نام‌هایی جذاب برای نوجوانان و جوانان سازماندهی شده و دارای شرح وظائف و برنامه‌ریزی مشخص برای چگونگی حضور فعال در فراخوان‌های سراسری بودند. همچنین اعضای این شبکه‌های مزدور، با ساخت کوکتل مولوتف به تعداد زیاد، تهیه و ساخت ابزار تخریب دوربین‌های شهری در حال آمادگی برای ایجاد ناآرامی و خرابکاری خیابانی بودند.

وزارت اطلاعات خاطرنشان کرد: این مزدوران دشمن، در جریان کودتای دی‌ماه ۱۴۰۴ نیز اقدامات وحشیانه و تخریبی گسترده‌ای از جمله به آتش کشیدن فرمانداری، تخریب بانک‌ها و ادارات دولتی، تخریب اموال عمومی و خصوصی، تخریب دوربین‌های شهری و ساختمان‌ها، حمله به مقر پلیس با هدف دستیابی به سلاح را انجام داده بودند. وزارت اطلاعات از مردم خواسته موارد مشکوک را در اولین زمان ممکن به ستاد خبری وزارت اطلاعات به شماره ۱۱۳ یا درگاه‌های رسمی این وزارت، در پیام رسان‌های ایتا، بله، روبیکا و سروش‌پلاس به آدرس @vaja۱۱۳ با تیک آبی گزارش کنند.

عمار حکیم: در کنار ایران هستیم تمام فرودگاه‌های عراق باید باز شوند

رئیس جریان حکمت ملی عراق با تاکید بر همبستگی خود با تهران در برابر فشارهای اقتصادی خواهان بازگشایی تمام فرودگاه‌های این کشور مقابل پروازهای ایران شد.

«سید عمار حکیم»، رئیس جریان حکمت ملی عراق از تلاش‌های دولت و نخست‌وزیر این کشور برای از سرگیری مجدد پروازها از فرودگاه بین‌المللی نجف اشراف و به مقصد این فرودگاه قدردانی کرد. وی اضافه کرد که این تلاش‌ها باعث از سرگیری پروازهای هوائی ایران از فرودگاه نجف اشراف و به مقصد این فرودگاه شد؛ اقدام مهمی که در تسهیل حرکت بیماران، زائران و مسافران و همچنین حمایت از گردشگری و ارتباطات میان دو ملت نقش دارد.

به گزارش مهر، وی همبستگی خود را با جمهوری اسلامی ایران و مردم کشورمان در برابر تحریم‌ها و فشارهای اقتصادی اعلام و تصریح کرد که تلاش‌ها برای بازگشایی تمام فرودگاه‌های عراق مقابل پروازهای هوائی میان دو کشور باید ادامه پیدا کند.

ولایتی خطاب به حاکمان امارات:

امنیت وارداتی تاریخ مصرف دارد

ولایتی خطاب به حاکمان امارات گفت: کشوری که عمرش به نیم قرن نمی‌رسد درباره جزایر تاریخی ایران ادعا می‌کند.

علی اکبر ولایتی، مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی در امور بین‌الملل، روز شنبه (۱۱ مهرماه) با انتقاد شدید از حاکمان امارات و در رد ادعاهای واهی و توخالی آنها درباره جزایر سه گانه جمهوری اسلامی ایران گفت: کشوری که عمرش به نیم قرن نمی‌رسد دربارهٔ جزایر تاریخی ایران ادعا می‌کند.

به گزارش تسنیم، ولایتی در صفحه خود در فضای مجازی آورده است:

۱) همسایه می ماند و مهمان می‌رود.

کشوری که عمر سیاسی اش به نیم قرن نمی رسد، از تریبون سازمان ملل درباره جزایری ادعا می کند که در اسناد و نقشه های تاریخی قرون گذشته با نام ایران ثبت شده‌اند. جغرافیا با بیانیه عوض نمی شود. تنب بزرگ، تنب کوچک و ابوموسی ایرانی بوده اند و ایرانی می مانند.

۲) یک هفته پس از پذیرایی گرم از نتانیاهو، سخن گفتن از «حقوق اعراب» و «همبستگی اسلامی» بیش از آنکه ادعا باشد، تناقض است. افکار عمومی از قاهره تا بیروت این دوگانگی را قضاوت می کنند.

تجربهٔ منطقه نشان داده است که امنیتِ وارداتی تاریخ مصرف دارد.

سردار جوانی:

نامه سپاه، روایت‌های دروغین امپراتوری رسانه‌ای غرب را فرو می‌ریزد

معاون سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت: نامه سپاه به مردم آمریکا پاسخی راهبردی به پرسش‌های بنیادین افکار عمومی غرب است.

سردار یدالله جوانی، معاون سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با اشاره به نامه سپاه به مردم آمریکا گفت: نامه آگاهی‌بخش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به جامعه آمریکا با بهره‌گیری از ادبیاتی محترمانه و مبتنی بر فرهنگ غنی تمدنی و آموزه‌های انبیای الهی، پاسخی راهبردی به پرسش‌های بنیادین افکار عمومی غرب به‌شمار می‌رود. وی افزود: این پیام هوشمندانه با بازخوانی ابعاد ۴۸ سال خصومت‌ورزی کاخ سفید از کودتای ۲۸ مرداد تا تحمیل نبرد اخیر شکست مطلق محاسبات توهم‌آمیز دشمن در براندازی نظام، تجزیه ایران و نابودی تمدن اسلامی ایرانی را به اثبات می‌رساند.

سردار جوانی خاطرنشان کرد: افشای ناکامی کامل تمامی اهداف ۱۳ گانه جبهه استکبار از جمله تسلط بر منابع انرژی و تنگه هرمز، روایت‌های دروغین امپراتوری رسانه‌ای غرب را فرو می‌ریزد و ابعاد شکست قمار سیاسی و نظامی آمریکا را برای افکار عمومی و نخبگان جهانی آشکار می‌سازد.

گفت و شنود

ماست مالی!

گفت: «جی‌دی‌ونس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا تلاش کرده است که عمل پلید ترامپ در جنایت وقیحانه و کثیف ماجرای اپستین را توجیه کند!

گفتم: مگر می‌شود این جنایت وحشیانه و شرم‌آور را توجیه کرد؟! حالا چی گفته است؟!

گفت: ونس می‌گوید: «دشمنی اپستین با ترامپ به این علت بود که ترامپ او را به پلیس معرفی کرده بود»!

گفتم: مردک فلان‌فلان شده از پله دوم حرکت کرده و نگفته که ترامپ به خاطر انتشار دو فیلم از وی که نشان‌دهنده تجاوز ترامپ به یک دختر ۸ ساله و خوردن گوشت آن دخترک مظلوم از اپستین شکایت کرده بود و بعد هم پلیس در زندان اپستین را به قتل رسانده بود.

گفت: کثافت‌های پلید، مردم را مثل خودشان احمق تصور کرده‌اند که برای سفید کردن کارنامه ترامپ، این دروغ‌ها را می‌بافند؟!

گفتم: نوکر یکی از خان‌ها یک کیسه گندم را برای آرد کردن به آسیاب برده بود و تا نوبتش برسد با اراذل قمار کرده و پول خودش و کیسه گندم را باخته بود. خان که به سراغش آمد، مشغول خوردن نان و ماست بود و چند داستان دروغ را سرهم کرد. خان با عصبانیت کاسه ماست را به سر نوکرش کوبید. نوکرش گفت؛ خدا را شکر که هم حساب پس دادم و هم روسفید شدم!

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* باید امت مبعوث شده کمربندها را سفت کنند و طبق فرمایش امیرالمؤمنین حیدرکرار، جمجمه‌ها را به خداوند عاریه دهند و چشم‌ها را به انتهای لشکر دشمن بدوزند و دندان‌ها را بر هم ساییده و پاها را بر زمین کوبیده و چنان اراده آهنینی به دشمن نشان دهند که امیدش از ما، سرزمین ما، اعتقادات ما، منافع ما، سیاست‌های ما و از متحدین ما قطع شود و به یاری خدا این‌گونه خواهد شد. ان‌شاءالله

میرمحکم

* آن‌چه آل‌سعود درخصوص حمله انصارالله به عربستان و پیشروی به سمت شهرهای مقدس مکه و مدینه عنوان می‌کند برای توجیه عملکرد خشونت‌بار خود در یمن طی سال‌های گذشته است تا افکار عمومی جهان اسلام را منحرف و به اشتباه به سمت یمن معطوف کنند!

شوندی

*ژنرال «کنت ویلسباخ» رئیس ستاد نیروی هوایی آمریکا می‌گوید؛ ارتش ایالات متحده چندین دهه درحاشیه‌ای امن عملیات می‌کرد؛ اما آسیب‌های ناشی از حملات ایران نشان می‌دهد که آن روزها به پایان رسیده است. در طول چهل روز جنگ، نظامیان ما ۱۲۰۰ بار در وضعیت هشدار قرمز قرار گرفتند! چرا از آمار واقعی کشته‌ها و مجروحین‌تان سخن نمی‌گویید؟

صیدی

* محاصره دریایی ایران یک روز بعد از بازگشت هیئت مذاکراتی ایرانی از اسلام‌آباد شروع شد، این‌بار آمریکا حتی منتظر بازگشت هیئت مذاکراتی ایران نشد و محاصره هوایی را زودتر شروع کرد! قابل توجه غرب‌گرایان!

متینی

*برای محاصره دریایی اقدام لازم و درلحظه انجام نشد، درنتیجه محاصره هوایی آغاز شده است، اگر دیر بجنبیم آیا محاصره زمینی نمی‌شویم؟

کاشی

*دنیای مادی اغلب اینها را در جدول قدرت می‌گذارد: ثروت، جمعیت، ارتش، سلاح، فناوری، منابع، بازار و ائتلاف‌ها؛ اما دین؛ ایمان، صبر، تقوا، وفاداری، شهادت، نصرت حق، نترسیدن از غیر خدا، استقامت و اثرگذاری و... چیزهای دیگری را هم وارد محاسبه می‌کند! إِن تَنصُرُوا اللهَ یَنصُرکُم وَیُثَبِّت أَقدامَکُم.

ملایی

*جایگاه و محل سخنرانی امام خامنه‌ای شهید(ره) در فروردین‌ماه سال ۷۸ مصادف با عید قربان در جوار یادمان شهدای شلمچه همواره یکی از مکان‌های موردتوجه ویژه زائران این یادمان بوده، اما در سال‌های اخیر در حین بازسازی، یادمان حذف گردیده است. این موضوع موجب گله زائرانی که توفیق تشرف و زیارت از این یادمان را داشته، به‌خصوص افرادی که پس از شهادت پدر امت(ره) از این یادمان بازدید نموده‌اند، گردیده است. از متولیان و مسئولان خدوم یادمان شهدا انتظار می‌رود نسبت به احیای این جایگاه که مزین به کتیبه‌ای منقش به توضیحات حضور حضرت امام سیدعلی خامنه‌ای(رضوان‌الله‌تعالی‌علیه) رهبر شهید انقلاب بوده نمایند.

جمعی از زائران راهیان نور

* رسیدگی به معضلات اجتماعی و ناهنجاری‌های جامعه از وظایف سران قوا است! به نظر باید به فوریت تدبیری برای مهار نقشه دشمن بنمایند.

احمدی مازندران

*دستگاه دیپلماسی! شما باید منعکس‌کننده مطالبات امت مبعوث باشید. آیا نشنیدید فریاد انتقام، تنبیه متجاوز، دریافت خسارت و...؟ هزینه نظام را سنگین نکنید مثل امت یمن کار را تمام کنید. فرسایشی کردن جنگ خواسته دشمن است. اظهار عجز پیش ستمگر ز ابلهی است/ اشک کباب باعث طغیان آتش است.

تبحری

* ۸ مهر آمریکا از آخرین پایگاه‌های خود در عراق اخراج شد. این خروج، ۲۳ سال پس از حمله آمریکا و متّحدانش به عراق در سال ۲۰۰۳ انجام شد که ترجمه عملیاتی اخراج آمریکا از منطقه است. جا دارد چندین روز مردم در ایران و عراق این موفقیت بزرگ را جشن گرفته و مانور رسانه‌ای بزرگی از شکست آمریکا در منطقه و تحقق نظم جدید به دنیا مخابره کنند. چراکه هم‌اکنون دنیا ناظر تحقق وعده امام شهید برای اخراج آمریکا از منطقه است.

دیلمی

*حالا که سختی زندگی در غربت و بن‌بست مالی، سلبریتی‌های به خارج پناهنده شده را دوباره به مقصد وطن کشانده، روزنامه‌های زنجیره‌ای می‌کوشند از یک «پرونده قضائی و سوابق ساختارشکنانه»، یک «مظلومیت هنری» بسازند. دستگاه قضا باید هوشیار باشد. جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند تحقق بدون تبعیض «حاکمیت قانون» است.

میرزایوسف

*اخراج نظامیان آمریکایی از عراق و تعطیلی پایگاه‌های نظامی آن در این کشور واقعه بسیار بزرگی است. دولت شرور آمریکا که نزدیک ۸۰ سال پایگاه‌های نظامی خود را در ژاپن و آلمان حفظ کرده ولی در ۲۳ سال اخیر دو بار ناگزیر به تخلیه عراق از نظامیان شرور خود شده است. از یاد نبریم ترامپ نحوه خروج نظامیان آمریکا از افغانستان را شکست دولت آمریکا خواند اما حالا که خود ناگزیر به آن در عراق شده با پررویی تمام، شیپور پیروزی می‌زند.

شمسائی

*حال که آقای زاکانی شهردار تهران خبر از تلاش برای تورم صفر و مهار قیمت چند کالای اساسی را داده، یک روزنامه زنجیره‌ای تیتر زده زاکانی را برکنار کنید. بنویسید این مسأله طبیعی نیست. این جماعت برای رسیدن به اهداف خود با پایین آمدن تورم هم مشکل دارند.

عطائی

*اظهارات وزیر خزانه‌داری آمریکا درباره اینکه تنگه هرمز ظرف دو سال آینده بی‌اهمیت خواهد شد، کاملاً اشتباه است. این کوته‌فکر نمی‌داند که تنگه هرمز فقط برای انتقال نفت و گاز اهمیت ندارد بلکه مسیر مهمی برای انواع تجارت محسوب می‌شود.

نیک‌نام

*اقدام شهرداری تهران مبنی بر عرضه کالاهای اساسی بدون تورم تا فروردین ۱۴۰۶، اقدامی مثبت و راهگشا در این شرایط حساس است که می‌تواند با حذف دلال‌ها بخش عمده‌ای از مشکلات معیشتی مردم را حل کند.

براری

*شیطان بزرگ و دزد دریایی نزدیک ۶ میلیون بشکه نفت ایران را سرقت کرده و درحال حرکت به سمت آمریکاست! چطور دستگاه دیپلماسی دنبال مذاکره و توافق با این دزد و سارقان است؟

ترابی

* متأسفانه دلار می‌تازد و تدبیری اندیشیده نمی‌شود. قبلاً با افزایش نرخ دلار مسئولان دولتی جلساتی برگزار و بسته‌های جدیدی ارائه می‌کردند که قدری التهاب بازار کم شود. اما الان خیال خودشان را راحت کرده‌اند که جنگ است! آقایان! روسیه هم ۵ سال در تحریم و جنگ است ولی چطور تورم ۶ درصد است؟!

قنبری

*متأسفانه در شرایط جنگ اقتصادی کنونی بانک مرکزی دچار نوعی وادادگی ارزی شده است و خودش هم با افزایش نرخ ارز بازار رسمی وضعیت را بدتر می‌کند؟ آقایان دولتی نمی‌خواهند اقدام مؤثری کنند؟

جوادی

*ارزپاشی برای مهار بازار ارز، سیاستی اشتباه و آتش‌زدن به ذخایر کشور است. ذخایری که باید پشتوانه تولید و تأمین نیازهای اساسی مردم باشد، چرا باید صرف پاسخ‌گویی به تقاضای سوداگری و خروج سرمایه شود؟

ابراهیم‌گیل

* چرا مجلس شورای اسلامی در برابر جهش شدید قیمت ارز واکنشی ندارد؟ چرا هیچ‌کاری برای اصلاح قوانین ارزی نمی‌کند و چرا وزیر اقتصاد و بانک مرکزی را بازخواست نمی‌کند؟!

کرمی

* طبق اعلام عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس؛ ۱۶۰ تن نقره در قالب کنسانتره از کشور خارج شده است. چه کسانی چوب حراج به ثروت کشور زده‌اند؟ مسئولان مربوطه چه می‌کنند؟

ملاحی

*یکی از دلایل مهم تحرکات و اقدامات کوری که کردهای تجزیه‌طلب شروع کرده‌اند، به خاطر این است که اکنون این گروهک‌ها به‌شدت از سوی آمریکا تحت فشار هستند و باید پاسخ بدهند کمک‌های مالی و تسلیحاتی را چه کرده‌اند، فلذا با این کارها می‌خواهند نشان دهند همچنان توان عملیاتی خود را حفظ کرده و مهره قابل اعتمادی برای مزدوری و خیانت به میهن هستند.

کمال‌آبادی

*همه هنرمندان کشورمان مانند لاله مرزبان نیستند که کشورشان را به ثمن بخس به بیگانگان بفروشند. در اخبار آمده بود فاطمه پالیزبان کارگردان فیلم کوتاه، جایزه خود در جشنواره بین‌المللی پرواز را به حسین محمدی جانباز راه وطن پای لانچر تقدیم کرد.

ابوالقاسمی

خبر ویژه

شهید لاریجانی اهل مذاکره عزتمندانه بود نه «ولع» تسلیم

روزنامه‌های زنجیره‌ای مدعی اصلاحات بار دیگر ثابت کردند که در جریان‌شناسی شخصیت‌ها و سیاستمداران برجسته، رفتاری کاملاً گزینشی و خطی دارند. این جریان شکست‌خورده که تمام موجودیت خود را در «مذاکره با آمریکا» تعریف کرده است، حتی پس از شهادت چهره‌های خدمتگزار، دست از تحریف برنمی‌دارد.

روزنامه زنجیره‌ای «سازندگی» در گزارش اصلی خود با تیتر تامل‌برانگیز «مردی که می‌توانست جنگ را تمام کند» و با استناد به سخنان پوتین مبنی بر اینکه «ترور علی لاریجانی یک اشتباه بزرگ بود»، تلاش کرده تا چهره انقلابی شهید را از دریچه «مذاکره برای پایان جنگ» به هر بهائی تحلیل کند. این روزنامه مدعی شده شهید لاریجانی نماینده ایده‌ای بود که «ساختار سیاسی ایران نمی‌تواند در انزوای دائمی دوام بیاورد» و او را در کنار جریان ناکارآمدی قرار داده که سال‌هاست کشور را ناگزیر از تسلیم نشان می‌دهند.

اما محض اطلاع جریان تسلیمی، شهید لاریجانی هرگز به قواعد مذاکره به سبک غرب‌زدگان معتقد نبود. او مذاکره را برای مقاومت و احقاق حقوق ملت می‌خواست، نه تسلیم و وادادگی. شهید لاریجانی با اشاره به موضع جریان غربگرا، صریحاً تأکید کرده بود: «نباید ولع بلاوجه برای مذاکره داشت.» او که سبقه کار در دستگاه دیپلماسی نیز را داشت، با هشدار به کسانی که شتاب‌زده موضع‌گیری می‌کردند، گفت: «عجولانه و پابرهنه در صحنه دیپلماتیک پریدن و حرف زدن، دیگران را به اشتباه محاسبات دچار می‌کند.»

جریان مدعی اصلاحات در مواجهه با موضوع مذاکره با آمریکا، همواره مسیری را دنبال می‌کند که به جای تقویت موضع ایران، بر اثرگذاری منفی بر افکار عمومی داخلی متمرکز است.

اولاً؛ این جریان با ارائه تصویری ناامیدکننده از کشور، می‌کوشد القا کند ایران «چاره‌ای جز مذاکره ندارد» و به جای استفاده از ابزار دیپلماسی برای تأمین منافع ملی، آن را به یک ضرورت فوری و اجتناب‌ناپذیر تبدیل می‌کند.

ثانیاً؛ با سیاه‌نمایی و ساختن فوریت کاذب، تلاش می‌کنند آینده کشور را به توافق فوری گره بزنند و القا کنند که در صورت عدم توافق، «شرایط اقتصادی و سیاسی کشور وخیم‌تر خواهد شد.» اگرچه تحریم و فشار اقتصادی واقعی است و نیاز به تدبیر کارشناسی دارد، اما تبدیل آن به ابزاری برای القای «مذاکره به هر قیمت»، دقیقاً همان چیزی است که به «بخشی از اهرم فشار واشنگتن» تبدیل می‌شود.

ثالثاً؛ روزنامه‌های زنجیره‌ای مؤلفه‌های قدرت ملی از جمله توان موشکی و هسته‌ای را پیشاپیش بی‌ارزش جلوه می‌دهند.

شهید لاریجانی برعکس تحلیل‌های تحریف‌شده سازندگی، اقتدار میدان و دیپلماسی را در طول هم می‌دید؛ نه اینکه با سیاه‌نمایی سیگنال ضعف را به دشمن مخابره کند. منطق دیپلماسی شهید لاریجانی، تکوین موازنه قدرت پیش از ورود به میز مذاکره بود. شایسته است مدعیان اصلاحات، کارنامه شهید لاریجانی را دستاویز بازارگرمی‌های سیاسی خود نکنند و بهتر است بساط سازش‌کاری‌شان را در بازاری دیگر پهن کنند!

اعتراف پدرخوانده کارگزاران به استفاده ابزاری از سیاست خارجی

اعتراف مهم‌ترین حامی مالی جریان غربگرا به استفاده ابزاری جریان متبوع از سیاست خارجی به نفع خود، موضوعی است که بسیاری از کارشناسان سال‌ها پیش بدان اذعان داشتند و مهم‌ترین ادله اینان اظهارات محمد جواد ظریف در دیدار البرادعی رئیس وقت آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است که می‌گوید که اگر مذاکرات هسته‌ای ما منتج به نتیجه نشود، ما دیگر در ایران رأی نمی‌آوریم!

پدرخوانده حزب کارگزاران سازندگی که پیش‌تر افاضات خارق‌العاده‌ای درخصوص ارتباط با آمریکا و مذاکره داشته است در سرمقاله‌ای در روزنامه سازندگی می‌نویسد: «ما هم برجام را آنگونه که باید به‌عنوان یک سند ملی ندیدیم. ما از برجام در رقابت‌های انتخاباتی استفاده کردیم. واقعاً آیا ایجاد یک فراکسیون ۱۲۰ نفره آن‌قدر ارزش داشت که ما هم به تخریب برجام کمک کنیم؟ حتماً نمی‌ارزید.»

این یک اعتراف تاریخی توسط حسین مرعشی دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی است و نباید صرفا در قالب برجام تحلیل شود؛ بلکه مرام‌نامه اصلی جریان اصلاحات استفاده ابزاری از همه مقولات فرهنگی، اجتماعی و سیاست خارجی برای مطامع سیاسی خود است. کافی است در یک پدیده و مقوله فرهنگی، اقتصادی و یا اجتماعی بحران یا تنش اجتماعی رخ دهد؛ بلافاصله موج‌سواری این جریان و مصادره به مطلوب را شاهد خواهید بود. حتی در بسیاری از موضوعات دولت‌های منبعث از این جریان خود عامل اصلی معضلات هستند، اما با وقاحت شاهد ژست اپوزیسیونی این جریان نسبت به آن موضوع هستیم.

درخصوص پرونده هسته‌ای که اتفاقاً نمایندگان وابسته به این جریان فکری اسناد و اطلاعات محرمانه کشور را لو دادند و نظام را با بحران هیولاسازی از ایران توسط دشمن آمریکایی-صهیونی مواجه کردند، اشخاصی مدعی دیپلماسی و بلد بودن زبان دنیا شروع به مذاکره کردند و در نهایت آن فرد که بعداً موسوم به ژنرال دیپلماسی شد خطاب به البرادعی عنوان کرد: اگر مذاکرات هسته‌ای ما منتج به نتیجه نشود، ما دیگر در ایران رأی نمی‌آوریم! چطور این جریان همواره دم از منافع ملی می‌زند و نرد عشق باختن با آمریکا را مسیر سعادت ملت ایران می‌داند؟

مرعشی در ادامه اعترافات و دروغ‌پراکنی‌های خود می‌افزاید؛ «ما باید می‌ایستادیم و می‌گفتیم، برجام یک سند ملی است؛ رهبری با آن موافقند، مجلس آن را پذیرفته، رئیس‌جمهور آن را محقق کرده، مذاکرات انجام شده و حداکثر امتیازاتی که می‌شد برای ایران گرفت، گرفته شده است، چرا باید این سند از طرف ما مورد استفاده انتخاباتی قرار گیرد؟ اما در فضای رقابت داخلی، گفته شد کسانی که رقیب ما هستند، مخالف برجام‌اند و برجامی و غیربرجامی شکل گرفت. طبیعی بود که طرف مقابل هم از همین فضا برای رقابت سیاسی استفاده کند. در همان زمان، بارها به آقای جهانگیری گفتم که آقای روحانی هرجا درباره برجام صحبت می‌کند، تأکید کند که این توافق ساخته و پرداخته سیاست‌های رهبری و تدبیر رهبری است؛ آن را به دولت منتسب نکند و برجام را متعلق به کل نظام بداند. اما همه ما با هم به بهره‌برداری مخالفان برجام کمک کردیم.»

دروغ بستن به رهبری تکنیک بسیار پرتکرار و قدیمی جریان غربگرا است، دروغ بستن به رهبر شهید نسبت به طرح‌ها، لوایح و استیضاح‌های در مجلس تا مقولات مختلف اقتصادی و فرهنگی همگی در کارنامه سیاسی اصلاح‌طلبان پررنگ دیده می‌شود. با وجود اینکه بخش عمده‌ای از شروط رهبر انقلاب در موضوع برجام رعایت نشد و ژنرال دیپلماسی اصلاح‌طلبان نیز بر آن صحه گذاشت، باز هم از شأن رهبری برای خود خرج می‌کنند.

همچنین همگان به خوبی موضع رهبر شهید انقلاب مبنی بر اینکه برجام خسارت محض است را دیدند و شنیدند، اما معلوم نیست که مدعیان اصلاحات چرا درصدد هستند که برجام را به پای امام شهید بنویسند.